



چالش‌های پیش‌روی بیداری اسلامی

سیدعلی مرادخانی^۱

چکیده

آسیب‌شناسی جریان بیداری اسلامی و شناخت راهبردهای دشمنان این جریان، موجب خواهد شد تا نظام برآمده از بیداری اسلامی، اجازه بازگشت و تداوم سلطه بیگانگان را ندهد. از میان برداشتن و یا به حداقل رساندن این آسیب‌ها برای نتیجه‌بخش بودن حرکت‌های بیداری اسلامی ضروری است.

در این تحقیق سعی شده است مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی بیداری اسلامی در عرصه داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته و به علاقه‌مندان به تعقیب تحولات منطقه معرفی گردد.

کلیدواژه‌ها: بیداری اسلامی، چالش‌های بیداری اسلامی، جهان اسلام، استکبار جهانی، رژیم صهیونیستی.

مقدمه

جریان بیداری اسلامی یک رخداد تاریخی است که متأثر از عوامل درونی و بیرونی جوامع اسلامی، در خاورمیانه و شمال آفریقا، به یک‌باره ظهور کرد. این جریان، با توجه به شکل حکومت‌ها و نوع حاکمان، در هر کشوری متفاوت از کشور دیگر بروز و ظهور یافته است. در مرحله‌ای، اصلاح و رشد اعتقادی مردم مسلمان مد نظر این جریان بوده است و در مرحله‌ای دیگر، به دست آوردن قدرت سیاسی و اصلاح ساختارهای اجتماعی به شیوه انقلابی؛ در مرحله‌ای در قالب دفاع از کیان اسلامی در مقابل اشغال بیگانگان و در برهه‌ای با تغییرات

۱- کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

مسالمت‌آمیز در نظام سیاسی حکومت‌های موجود پیش رفته است.

تجلی این حرکت در قالب موج بیداری اسلامی در پرتو اعتقاد و باور عمیق به اسلام و ایستادگی در برابر نفوذ جبهه استکبار و تداوم مبارزه با رژیم صهیونیستی در اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی از شمال آفریقا آغاز شد. خودسوزی جوان تحصیل‌کرده تونس، نقطه آغاز بیداری اسلامی و اعتراض علیه ماهیت حکومت‌های دیکتاتوری و وابسته در جهان عرب بود که ابتدا از کشور تونس آغاز و سپس به دیگر کشورهای عربی در خاورمیانه سرایت کرد. بیداری اسلامی هرچند با تاکتیک‌های متفاوت اما با راهبردی مشخص زمینه حرکت و جنبش‌های اسلامی را فراهم نمود اما باید در نظر داشت که این جنبش‌ها متأثر از انقلاب اسلامی ایران توانسته اثرات چشمگیری را در داخل کشورها و در عرصه جهان اسلام و محیط بین‌الملل برجای بگذارد.

انقلاب اسلامی ایران با ایجاد اعتمادبه‌نفس، تقویت روحیه استکبارستیزی، فراهم‌سازی زمینه‌های وحدت اسلامی و تقریب مذاهب با القای روحیه اقدام و در کنار آن، حمایت همه‌جانبه از نهضت‌های اسلامی توانست در ظهور این جریان نقش ایفا کند و آن را هدفمند و پر قدرت هدایت نموده و برای هدف نهایی که همان تعالی مادی و معنوی مسلمانان است، به پیش برد.

دشمنان اسلام که با این بیداری، منافع خود را در خطر می‌دیدند تلاش کردند تا به هر شکل ممکن مانع گسترش این حرکت‌ها شوند. آن‌ها برای مقابله با این جریان از انواع راهکارها و عوامل مادی و معنوی خود استفاده کرده‌اند تا بتوانند این حرکت را دچار چالش کنند و یا دست کم از اثرات آن بکاهند.

حرکت بیداری اسلامی در مسیر دستیابی به اهداف خود با چالش‌ها و موانع متعددی روبرو خواهد شد. برخی از این چالش‌ها ناشی از نقاط ضعف جامعه اسلامی، بعضی برگرفته از ضعف‌های ماهیتی و ساختاری نهضت‌های بیداری اسلامی و برخی هم متأثر از عوامل خارجی است. از آنجا که این موانع و چالش‌ها بنیادین و اساسی هستند توجه و برطرف‌سازی آن‌ها، به ویژه در مناطق حساس کنونی فراروی جهان اسلام که امواج خروشان آن بسیاری از کشورهای اسلامی عربی را فراگرفته است، ضروری می‌باشد.

چالش‌های پیش روی جنبش بیداری اسلامی

در این تحقیق، از دو جهت می‌توان این چالش‌ها را مورد بررسی قرار داد:

۱- چالش‌های درونی

۲- چالش‌های بیرونی

دسته اول: چالش‌های درونی

چالش‌هایی هستند که در درون جوامع اسلامی عمومیت دارند. اهم آن‌ها به شرح زیر است:

۱- چالش فکری و فرهنگی پیش روی حرکت بیداری اسلامی

یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها می‌تواند نگاه‌های متفاوت و بعضاً متناقض روشنفکران دینی و تحلیل‌گران سیاسی به اساسی‌ترین مقوله‌های اسلام باشد. از آنجا که مهم‌ترین دغدغه بیدارگران اسلامی اجرا و تبلور احکام اصیل اسلامی در فرآیند زندگی اجتماعی است، از این رو شناخت و درک صحیح از اسلام و معرفت مبانی آن، از اصول بنیادین حرکت‌های بیداری اسلامی است؛ اما پرسش مهم اینجاست که با توجه به وجود فرقه‌های اسلامی مختلف و نگاه‌های متفاوت به مبانی دینی، کدام تلقی از اسلام، همان اسلام اصیل و ناب است. باید توجه داشت که این تفاوت عقیدتی و رویکردی منشأ بسیاری از اختلافات و چالش‌های موجود در جهان اسلام است. مثلاً نقش سیاسی دین در بررسی تطبیقی نظام‌های فرهنگی در این نظام‌ها، وجود و یا عدم وجود یک نهاد مذهبی سازمان‌یافته، موجب شده است گفتمان دینی - فکری متفاوتی درباره هدف حاکمیت در جوامع مطرح شود. (ساشا دنیا، ۱۳۸۶، ص ۲۸)

بیداری اسلامی اغلب برنامه‌ها و اهداف خود را برای ساماندهی نظام اجتماعی، در چارچوب یک نظام جامع دینی و سیاسی، اجتماعی تعریف کرده و از مسلمانان می‌خواهد که برای تأمین سعادت جوامع اسلامی فداکاری کرده و از نظام اجتماعی دفاع کنند. دعوت به فداکاری و تلاش مستمر موجب تداوم بسیاری از جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی شده است؛ اما از طرف دیگر، همین روحیه فداکارانه موجب می‌شود برخی مسلمانان نسبت به کسانی که در چارچوب حقیقت و عمل صالح عمل می‌کنند، نظر دیگری داشته باشند و حتی رفتاری خشن و گاه متعصبانه پیش گیرند.

پیشینه حرکت‌های اسلامی نشان‌دهنده تنشی عمده در حوزه فکری و فرهنگی است که نظام سیاسی و اجتماعی نوین در حال تکوین را، در معرض چالش و خطر قرار می‌دهد؛ و موجب می‌شود تا پتانسیل عظیم موجود، به جای استفاده برای تعالی معنوی و مادی جهان

اسلام، صرف خودزنی و تحلیل و نابودسازی دیگر بدنه‌های فعال امت اسلام شود.

۲- چالش اختلافات مذهبی، قومی و فرقه‌ای

یکی دیگر از آسیب‌ها، دامن زدن به جنگ‌های مذهبی و فرقه‌ای در درون جهان اسلام است؛ که به خصوص از طریق اتهامات مذهبی، دنبال می‌شود. مثلاً مواردی و موضوعاتی در کتاب‌ها و نشریات در گوشه و کنار دنیا پخش می‌شود که جزء عقاید و اعتقادات شیعه نیست و نسبت‌های عجیب و غریبی به شیعه داده می‌شود که هیچ یک از منابع روایی شیعه، این‌ها را نگفته و متکلمین شیعه و فقهای آن‌ها به این‌ها معتقد نیستند. شبیه همین شیوه نسبت به مذاهب اهل سنت، نیز صورت می‌گیرد و این نسبت‌های ناروا ترویج می‌شود تا مفهوم «وحدت فرق اسلامی» و یا «تقریب مذاهب» که امروز مورد تأکید جهان اسلام است تضعیف شود و به همین منظور نقاط اختلاف را -که طبیعی است- برجسته می‌کنند تا نقاط اشتراک نظر -که اصل است- کمرنگ شود. در حالی که اگر با نگاه علمی، این اختلاف نظرها بررسی شود همین اختلاف فقهی یا کلامی که بین شیعه یا برادران اهل سنت است، بین خود فرقه‌های اهل سنت با یکدیگر هم همین اختلافات وجود دارد. در گذشته انگلیس مرکز و محور ثقل دامن زدن به این اختلافات بود و امروز هم صهیونیست‌ها و آمریکا این چالش‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند که اولاً فرقه‌سازی به نام اسلام می‌کنند و ثانیاً جنگ‌های فرقه‌ای بین مسلمین راه می‌اندازند. به ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور خیزش و بیداری اسلامی در عرصه جهانی به این اختلافات بیشتر دامن زده می‌شود.

دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و طایفه‌ای از سوی دشمنان، مانع تکامل، رشد و پیشرفت جوامع اسلامی می‌شوند و تعصب و نادانی و کوردلی داخلی در این کشورها سبب خواهد شد که این اختلافات ابزاری برای درگیری و جنگ‌های خونین و دور از انتظار در اختیار دشمنان قرار گیرد.

ثمره این اختلافات، ظهور پدیده شوم ترور و تروریسم در این جوامع خواهد بود که زمینه ذهنی آن نوعاً از تعصب، جهل و خودخواهی برمی‌خیزد و ترکیب این‌ها ناشی از آن است که انسان‌ها گمان می‌کنند همه حق و حقیقت در اختیار آن‌هاست و آنچه غیر نظر آنان باشد ناحق و باطل است.

بنابراین ایجاد اختلاف و دامن زدن به آن می‌تواند برای جوامع اسلامی اشتباه جبران‌ناپذیر باشد و موجبات ظهور پدیده شوم تروریسم در کشورهای بیداری اسلامی را فراهم کند، کما اینکه امروز شاهد گروه‌های افراطی سلفی‌ها با نقاب و چهره اسلامی هستیم که چگونه مردم مسلمان اعم از شیعه و سنی را مورد قتل‌عام قرار می‌دهند. بدون تردید این جماعت برای تکمیل پازل و پروژه دشمن قسم‌خورده مسلمین یعنی رژیم صهیونیستی تلاش می‌کنند.

به هر حال در جهان اسلام، تنوع فراوانی در مذاهب و مسالک دینی، فقهی و فلسفی وجود دارد و تبعاً بین آن‌ها اختلافاتی وجود دارد؛ و این اختلافات طبیعی است و حتی بعضاً بین مراجع تقلید شیعیان در برخی از فتواها، اختلاف وجود دارد؛ اما دشمن از این اختلافات علمی و تاریخی سوءاستفاده می‌کند و در این راستا سرمایه‌گذاری و جریان‌سازی انجام می‌گیرد و برای این کار مؤسسه، رسانه و دانشگاه به وجود می‌آورند و کتاب و مقاله چاپ می‌کنند تا اختلافات را پررنگ نشان دهند. (افقهی، ۱۳۹۱)

بیان صریح مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و حضرت امام (ره) این است که ما امروز دشمن مشترک داریم و نباید براساس خواست دشمن، اختلافات میان خودمان را تقویت کنیم و باید اختلافات تاریخی، مسلکی، فلسفی و کلامی در محافل علمی مرتفع شود. (افقهی، ۱۳۹۱)

۳- چالش فقدان وحدت فکری و گفتمان اسلامی

فقدان وحدت فکری و گفتمان اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از مشکلات و چالش‌های قابل توجه در حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در آینده باشد. روشنفکران و اسلام‌گرایان به خوبی این مشکل را درک کرده‌اند ولی به این نکته مهم نیز اشاره می‌دارند که بیداری اسلامی خاستگاه محدود و مشخصی ندارد که حرکت خود را در چارچوب وحدت اندیشه حزبی دارای نشانه‌ها و گرایش‌ها و روش‌ها بروز دهد. بلکه بیداری اسلامی یک وضعیت و حالت عام اسلامی است که نشان‌دهنده اجتهادها و برداشت‌های مختلفی می‌باشد که بزرگان دین اسلام در آن اختلاف نظر دارند.

علاوه بر آن باید اضافه کرد که بیداری اسلامی حاصل یک اندیشه کلی و حرکت اجتماعی است که پس از بروز و ظهور با جزئیات سروکار ندارد و با چالش‌های حاصل از حوادث و رویدادهای گوناگون مواجه می‌شوند. از این جهت نیازمندی به یک گفتمان و وحدت فکری در میان جوامع اسلامی احساس می‌شود تا از خطر نفوذ فکری و اعتقادی بیگانگان و

روش‌های سلطه‌جویانه آن‌ها در منطقه به طور حساب‌شده جلوگیری شود. در نظام بیداری اسلامی که فرهنگ‌ها، نظام‌های اعتقادی و ارزش‌های گوناگون آن، مسلمانان را به خاطر جلوه‌های کرامت انسانی و رهایی از زیر یوغ سلطه خارجی و استبداد داخلی به وجد و نشاط می‌آورد ممکن است آنان را به خاطر ترس از فقدان فکری و گفتمان اسلامی هراسناک کرده باشد.

بر این اساس باید به این نکته توجه کرد که پیامد فقدان وحدت گفتمان اسلامی در دنیای اسلام ممکن است که بیداری اسلامی را با خطر جدی مواجه نماید.

از آموزه‌های دینی مسلمانان، تشویق نخبگان و روشنفکران به دست برداشتن از منافع شخصی خود و ایجاد گفتمان واحد در میان جامعه در راستای حرکت به سوی رشد و تعالی معنوی برای تضمین سلامت و صلابت حرکت‌های اسلامی است.

لازم است به این نکته مهم نیز اشاره شود که مراد از وحدت و گفتمان اسلامی میان جوامع اسلامی و مسلمانان به معنای نادیده گرفتن اختلافات و یکی شدن مذاهب (شیعه شدن سنی و سنی شدن شیعه) نیست بلکه مقصود از آن همبستگی مسلمانان به لحاظ وحدت فکری در اتحاد پیروان مذاهب گوناگون با وجود اختلافات و تفاوت‌های مذهبی، در برابر دشمنان اسلام و کفر جهانی است یعنی برای حفظ و تعالی اسلام و حرکت‌های اسلامی با همدیگر همکاری و همیاری داشته باشند چرا که هر دو، دشمن واحدی دارند، در این خصوص به یکی از بیانات مهم حضرت امام خمینی (ره) اشاره می‌کنیم که فرمودند:

«امروز آن چیزی که تکلیف همه ماست، شما برادرهای اهل سنت، این‌ها برادرهای اهل تشیع، همه، همه افراد این ملت تکلیف دارند، این است که الآن توجه به این معنا داشته باشند که دست‌هایی در کار است که نگذارند اسلام تحقق پیدا نکند، با شیوه‌های مختلف. شیوه‌های مختلفی الآن در کار است؛ و این نکته‌اش این است که خارجی‌ها آنکه به آن رسیده‌اند این است که اسلام است که جلو منافع آن‌ها را می‌گیرد. اگر اسلام تحقق پیدا نکند، این مملکت یک مملکت اسلامی بشود، دست آن‌ها دیگر تا آخر کوتاه است.» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۳۱)

بنابراین پر واضح است که اگر گفته می‌شود وحدت میان مسلمانان بدان معنا نیست که آن‌ها به لحاظ مذهب یکی باشند مراد وحدت فکری و سیاسی مسلمانان برای رسیدن به یک هدف مشترک است که برای آن قیام کردند و بیداری اسلامی را در میان ملت به وجود آوردند.

۴- چالش فقدان رهبری جنبش‌های اسلامی

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها از نظر بسیاری از تحلیل‌گران که آینده بیداری اسلامی را با آسیب و تهدید مواجه می‌سازد، فقدان رهبری در جوامع اسلامی است. ساخت فرهنگی اجتماعی کشورهای اسلامی به گونه‌ای است که یک رهبر کاریزما به تنهایی توانایی بسیج گسترده مردم، ایجاد حس وفاداری به انقلاب و حرکت‌های بیداری و از همه مهم‌تر افزایش سعه‌صدر توده‌های مردمی را دارد همانند انقلاب اسلامی ایران که رهبری هم در ایجاد آن و هم در حفظ و تداوم آن با اتکا به قدرت الهی و بسیج گسترده مردم، نقش اساسی و محوری ایفا نمود.

واقعیتی که به وضوح قابل مشاهده است؛ نقش مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در هدایت و رهبری روشن‌گرانه و خلاقانه بیداری اسلامی است که امروز این حرکت‌ها و بیداری را به نحو شایسته مدیریت می‌کنند. یکی از کارشناسان مسائل جهان اسلام در تأیید این مطلب چنین بیان می‌کنند:

«من امروز با شناختی که از تمام کشورهای در حال بیداری و تمام رهبران جهان عرب و اسلام دارم، شخصیتی را قوی‌تر و توانمندتر از مقام معظم رهبری نمی‌بینم. این موضوع را به این دلیل نمی‌گویم که ایشان رهبر ما هستند. واقعاً باید این موضوع را ارزیابی علمی کنیم که چه ویژگی‌ها و بسترهایی لازم است تا فرد لیاقت و اهلیت رهبری بیداری اسلامی را داشته باشد. از این جهت اگر مسئله را ارزیابی کنیم، می‌بینیم بالاترین امتیاز را با فاصله‌ای بسیار از رهبران جهان اسلام، مقام معظم رهبری کسب می‌کنند. دلیل این امر پشتوانه فکری، اهتمام و توجه زودرس ایشان به فرآیند بیداری اسلامی و احیای نهضت بیدارگران جهان اسلام است.» (افقهی، ۱۳۹۱)

اهمیت و جایگاه رهبری در آیات و روایات، به وضوح بیان شده است. رهبر در صورت داشتن ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی که برای او بر شمرده‌اند، می‌تواند به عنوان راهنما و هدایت‌گر مردم باشد و یک حکومت دینی را تشکیل دهد و امورات مردم را در اختیار گیرد؛ و نبود آن، ضایعه بزرگی است که لطمات و خسارات جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت.

دبیر کل جنبش آزادگان بحرین، فقدان رهبری مقتدر در جنبش‌های اسلامی را چالش عمده بیداری اسلامی می‌داند و معتقد است «نداشتن رهبری، بزرگترین ضربه‌ها را به پیکره این انقلاب‌ها وارد خواهد کرد.» (شهابی، ۱۳۹۱)

بدین ترتیب رهبری در تمامی مراحل بیداری و جنبش‌های اسلامی نقش عمده‌ای، هم در پیروزی و به ثمر رسیدن آن‌ها و هم پس از پیروزی در تداوم و استمرار آن به عهده دارد. به هر تقدیر فقدان رهبری جامع‌الشرایط می‌تواند جوامع اسلامی و جریان‌های بیداری را با مشکلات اساسی در نظام‌سازی و تثبیت نظام و اصلاح ساختارهای موجود مواجه سازد. در جنبش‌های بیداری اسلامی، رهبری بر عهده فرد خاصی نبوده است و رهبران مذهبی پس از وقوع جنبش و سرنگونی دیکتاتورها با دیدگاه‌های متفاوت در صحنه حاضر می‌شوند. این واقعیتی است که در جریان بعد از سرنگونی مبارک - دیکتاتور مصر - به وضوح دیده شد و این موضوع، موجب شد روند تحولات انقلابی نه تنها به کندی پیش رود بلکه در جریان این روند اختلال و انحراف از ارزش‌های اصیل مذهبی و فرهنگی به وجود آورد تا مردم بار دیگر به صحنه آمده و اعتراضات خود را آشکارا اعلام نمایند. در حقیقت، فقدان رهبری منسجم در جنبش مردم مصر را می‌توان یکی از عوامل سردرگمی تحولات این کشور تلقی کرد. این جنبش را در مصر به نوعی احزاب رهبری می‌کنند در حالی که تحزب در جهان اسلام پایگاه مردمی که بتواند نقش‌آفرینی در هدایت حرکت‌های اسلامی را به عهده داشته باشد، ندارند.

تحولات اخیر در کشور مصر و پایان دادن به دولت مرسی توسط ارتش آن کشور که در چارچوب پروژه آمریکا صورت گرفت، اثبات بحث‌ها در این بخش از نوشته را تا حدودی آشکار می‌کند بنابراین در صورت برخوردار بودن حرکت و جنبش مردمی مصر از رهبری واحد و منسجم و مدیریت صحیح، به طور قطع و یقین از بروز و ظهور این مشکلات جلوگیری می‌شد. در همین خصوص مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار دانشجویان فرمودند: «حوادث مصر نشان دهنده این است که عمق بیداری اسلامی در این کشورها وجود دارد که البته خوب مدیریت نشد و اشتباه کردند. امروز صحنه مصر صحنه دردناکی است، این به خاطر اشتباهاتی است که صورت گرفت». (بیانات در جمع دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶)

دسته دوم: چالش‌های بیرونی

۱- رسوخ و نفوذ فرهنگ‌های غربی

از جمله چالش‌های اساسی که در بیداری اسلامی به صورت مانعی مهم قابل تصور است، مسئله تبلیغات و نفوذ فرهنگ کشورهای غربی است. از آنجایی که فرهنگ، بستر و زیربنای

دیگر عرصه‌های جامعه نظیر ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سازمانی را تشکیل می‌دهد، از این رو برای تضعیف و تخریب آن از راه رسوخ و نفوذ از سوی استکبار و کشورهای غربی تلاش خواهد شد تا شرایط و زمینه تضعیف دیگر ابعاد جوامع اسلامی را فراهم سازند. در این صورت، موانع رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نیز به وجود خواهد آمد. سران غرب با آگاهی از این مسئله، با ترتیب دادن برنامه‌ها و طرح‌های مختلف فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی سعی خواهند کرد تا از طریق تبلیغ و نفوذ فرهنگ غلط خود و وارد کردن آن در فرهنگ و ارزش‌های انقلابی، اسلامی و ملی جوامع بیداری اسلامی، آنان را در نظام‌سازی و ایجاد تمدن درخشان اسلامی دچار مشکل نمایند.

غربی‌ها همواره سعی در تحقیر سنت‌ها و هنجارهای اخلاقی رایج در اجتماع مسلمانان را داشته‌اند تا اصول و الگوهای فرهنگی جامعه خود را برتر نشان داده و نوعی تهاجم فرهنگی را به راه انداخته و مانع رشد و پیشرفت سنت‌ها و اصول اخلاقی جوامع اسلامی گردند. بنابراین مردم مسلمان همواره می‌بایست با حفظ و زنده ساختن سنت‌ها و رعایت اصول و هنجارهای حاکم بر اجتماع خویش، مانع از تبلیغ و نفوذ و ورود هنجارهای غلط و فرهنگ گمراه کننده کشورهای غربی به جامعه خود باشند. انجام مطالعات و تحقیقات لازم در این زمینه و بومی‌سازی بسیاری از علوم و کتب دانشگاهی و حفظ فرهنگ غنی اسلامی و ترکیب آن با اصول ملی و بومی می‌تواند در حفظ و تداوم حرکت و بیداری ملل اسلامی نقش مهمی را داشته باشد.

تمسک به اصول اسلامی و آموزه‌های دینی و قرآنی می‌تواند در حفظ و غلبه فرهنگ اسلامی بر فرهنگ‌های منحط غربی و نیز خنثی کردن نقشه‌ها و دسیسه‌های آن‌ها مؤثر باشد. البته در این راستا مطالعه و بررسی اینکه عوامل و علل انحطاط جامعه در دوران گذشته چه بوده و ریشه‌های استعمار غرب از کجا نشئت گرفته است، می‌تواند کمک قابل توجهی در این خصوص باشد و آگاهی از مسئله‌ای که استکبار و استعمار را بر برخی جوامع اسلامی در گذشته استیلا داده و باعث شده تا فرهنگ غرب بر مقدرات مردم مسلمان و مستضعفین جهان حکمفرما گردد، کمک شایانی خواهد کرد. اینجاست که دانشمندان و نویسندگان اسلامی وظیفه خطیری بر عهده دارند. آنان با ارائه خط فکری روشن از گذشته، اقدامات فرهنگی غرب و غفلت جوامع اسلامی، باید نشان دهند که آنان چگونه ملت‌های مسلمان را حتی در مسائل اقتصادی و معیشتی از طریق نفوذ فرهنگ منحط خود به انحصار و انحراف کشانده‌اند

و با سیستم‌های غلط اقتصادی، اقتصاد کشورهای اسلامی را دچار مشکل کرده‌اند. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «... این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی می‌باید برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازمان و در برگیرنده منافع محرومین و پابره‌نه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند». (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۰)

پیشینه استکبار، نشان می‌دهد که آنان دین‌گریزی را به عنوان فرهنگ جایگزین در کشورهای اسلامی دنبال می‌کنند. دین‌گریزی نوعی تحول فکری و فرهنگی است که در ساختار فرهنگی یک جامعه به وجود می‌آید و در رفتار فرد بروز و ظهور می‌یابد و شخصیت مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روشن است در جامعه‌ای که ساختار فرهنگی آن متأثر از فرهنگ اروپا و آمریکا باشد، انسان‌های مذهب و الهی تربیت نخواهند شد؛ چرا که فرهنگ و اساس تعلیم و تربیت در غرب بر اساس مکتب و آئین اسلام بنا نهاده نشده است، لذا عنصر تعلیم و تربیت به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی همواره از سوی استکبار در دستور کار نفوذ و تأثیرگذار در امور فرهنگی کشورهای مسلمان قرار گرفته است تا شخصیت مسلمانان را برای رسیدن به مقاصد خود تغییر دهند.

جامعه‌شناسان، «مدرسه» را یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت انسان می‌دانند، به گونه‌ای که بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهایی که در خانه بر آن‌ها تأکید می‌شود، در مدرسه تحکیم و تقویت می‌شوند. (کوئن، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۱۲)

با توجه به این نکته، اروپا و آمریکا نفوذ فرهنگ خود را بر فرهنگ جوامع اسلامی از طریق نفوذ در مدارس آغاز کرده‌اند؛ و این مسئله اغلب در دوران انتقال قدرت و تحولات اجتماعی در کشورهای مسلمان، آغاز می‌شود و استکبار، از این فرصت، تحت عنوان کمک و آبادانی و بهبود وضعیت، برنامه‌های فرهنگی خود را برای نفوذ در کشورهای جامعه هدف تبلیغ می‌نماید و مدارس و مراکز آموزشی را به عنوان بهترین و مناسب‌ترین ظرفیت برای این کار انتخاب می‌کنند.

در ایران، نمونه‌های زیادی از این مسئله را شاهد بوده‌ایم که عوامل استکبار و استعمار با نفوذ در مدارس برای تسخیر و مهندسی فرهنگ غربی، چگونه نسبت به تخریب پایه‌ها و بنیان فرهنگی کشور اقدام کرده‌اند.

«مدرسه شبانه‌روزی کشیش آمریکایی به نام ساموئل وارد، یکی از مدارس بود که در سال

۱۲۶۶ شمسی با ۲۵ شاگرد تأسیس و آغاز به کار کرد. دامنه فعالیت و سرعت توسعه این مدرسه به گونه‌ایی بود که بین سال ۱۲۹۹ ش تا سال ۱۳۰۹ ش به طور متوسط، سالانه یک هزار شاگرد داشت». (کمیسون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۳، ج ۲، ص ۱۲۸)

این مدارس تحت تأثیر ساختار آموزشی و پرورشی انگلیس بودند. زیر میسیونرهای مسیحی دقیقاً برنامه‌های خود را با هدایت دولت انگلیس اجرا می‌کردند. چنین مدرسی بعدها به مرور زمان، با تأثیر پذیرفتن از برنامه‌های فرهنگی و آموزشی فرانسه و پس از کودتای ۲۸ مرداد با هدایت و نفوذ آمریکا به فعالیت خود ادامه دادند.

در دوران نهضت مشروطه به بعد نیز، در مقاطع گوناگون، حرکت‌های ضد فرهنگ اسلامی و دینی زیادی از سوی دانش‌آموختگان غرب‌زده به وقوع پیوسته‌اند که یکی از نمونه‌های بارز آن مسئله کشف حجاب در زمان حکومت پهلوی است؛ و از این نمونه‌های ضد ارزشی و دینی بسیار زیاد است که می‌تلبد کشورهای که در آن‌ها از طریق بیداری اسلامی به حکومت استبداد داخلی و سلطه استکبار خارجی پایان می‌دهند، از نفوذ و تأثیر فرهنگ‌های غلط و ضد دینی آنان به ویژه در مراکز فرهنگی و آموزشی مراقبت کنند. بنابراین سالم ماندن بیداری اسلامی، بستن راه‌های نفوذ استکبار به جوامع اسلامی به ویژه مراکز تعلیم و تربیت آن‌هاست. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فرمودند: «بیداری اسلامی پدیده شگرفی است که اگر سالم بماند و ادامه یابد، زمینه‌ساز سر برآوردن تمدن اسلامی در چشم‌انداز نه چندان دور دست، خواهد بود». (بیانات در اجلاس بین‌المللی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹)

۲- مسئله فلسطین و مقاومت اسلامی

بخشی از بیداری اسلامی به خاطر توجه ویژه به فلسطین اشغالی است و این توجه و هدف متعالی برای حرکت‌های اسلامی، خود یک چالش بزرگ و جدید پیش روی راهبردهای آمریکا در برخورد با جهان اسلام است که سعی خواهد کرد این چالش را با شیوه‌ها و حیل‌های گوناگون از پیش پای خود برداشته و آن را به چالش بیداری اسلامی تبدیل کند و از هم‌اکنون نشانه‌هایی از این برخورد آمریکا نمایان است و شیوه برخورد آن با قیام‌های عربی همواره عادلانه و خوب نبوده و در بحث نزاع اعراب با اسرائیل غاصب بر سر فلسطین، همواره جانب رژیم صهیونیستی را گرفته و جهت‌گیری‌های جوامع اسلامی به سمت و سوی فلسطین را محکوم می‌نماید. در سایه بیداری اسلامی و تحولات منطقه، جهان

عرب و کشورهای اسلامی و جنبش‌های مردمی و خواسته‌های مردم برای تحقق دموکراسی و مشارکت سیاسی و احیای ارزش‌های دینی و قرآنی، باید مسئله فلسطین را جزء اولویت‌های خود قرار دهند.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فرمودند: «هر کس که شعار آزادی قدس شریف و نجات ملی فلسطین و سرزمین فلسطین را نپذیرد و یا به حاشیه ببرد و به جبهه‌های مقاومت پشت کند، متهم است». (بیانات در اجلاس بین‌المللی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹)

«رژیم صهیونیستی به ویژه بعد از آغاز موج بیداری اسلامی در موضع ضعف قرار گرفته است و آمریکا و کشورهای غربی تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا از طریق نابودی وحدت مسلمانان، مسئله مقاومت و امت اسلام را با چالش مواجه ساخته و مسئله فلسطین را به حاشیه برانند». (سخنرانی ماجد غماس، خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲/۵/۴)

امریکا بیداری اسلامی را فشار و چالش بسیار بزرگی بر دوش رژیم صهیونیستی می‌داند از این رو تمام توان خود را به کار بسته و به کار خواهد گرفت تا این فشار را برای این رژیم جعلی تنزل دهد. در چنین شرایطی لازم است کشورهای اسلامی در برابر توطئه‌های استکبار ایستادگی کنند و به آرمان‌های فلسطین به عنوان آرمان‌های جهان اسلام نظر کنند.

این روزها اسرائیل در یک شرایط بغرنجی به سر می‌برد، زیرا تعدادی از هم‌پیمانان خود را در منطقه در رأس آن‌ها حسنی مبارک را از دست داده است، رژیم صهیونیستی از شکل‌گیری نظام‌های دموکراتیک عربی نگران است و چنانچه آن‌ها را از بین ببرد، این نظام‌ها قدرت رژیم صهیونیستی را محدود خواهد کرد. (بیداری اسلامی و تأثیر آن در آرمان فلسطین، ۱۳۹۲)

دکتر «نهاد الشیخ خلیل» کارشناس مسائل فلسطین در خصوص ضرورت توجه به فلسطین و پشت نکردن به آرمان‌های آن می‌گوید:

«وظیفه کنونی رهبران فلسطین، جلب حمایت از آرمان فلسطینی و قرار دادن آن در سرلوحه برنامه‌های امت عربی است و وزش نسیم تغییر در جهان عرب به این معنا نیست که این حرکت تأثیر فوری و مستقیم بر روی مسئله فلسطین خواهد گذاشت، زیرا این اقدام صرفاً یک فرصت است که امکان دارد در صورت عدم استفاده از آن، تغییری در شرایط آرمان ما ایجاد نکند». (الشیخ خلیل، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی جهان اسلام)

فضای کشورهای عربی و اسلامی از زمان شکست ژوئیه سال ۱۹۶۷ برای مقاومت

فلسطین مناسب نبود. چون رژیم‌های عربی تحت نفوذ و سلطه و سیطره غرب قرار گرفته بودند و پیش‌بینی نمی‌شد که یک فضای مناسب برای مقاومت در کشورهای عربی علیه رژیم صهیونیستی شکل بگیرد. ولی اکنون در پرتو موج بیداری اسلامی و تحولات جاری در منطقه و کشورهای عربی امید به تحقق آرمان‌های فلسطین از سوی مسلمانان منطقه امکان‌پذیر شده است. به حاشیه راندن مسئله فلسطین که در سرلوحه برنامه‌های استکبار قرار گرفته است، در صورت عملی شدن نه تنها به فلسطین بلکه به مقاومت اسلامی و جریان بیداری اسلامی در تمامی کشورهای عربی ضربه خواهد زد. بنابراین بیرون راندن استکبار از دایره جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی منطقه می‌تواند به امر بارور سازی اندیشه‌های مقاومت و یکپارچه‌سازی و تحقق وحدت ملی فلسطین کمک نماید.

مهم‌ترین مسئله در تمامی انقلاب‌ها و جنبش‌های منطقه فراموش نکردن مقاومت و آرمان فلسطین است. چون بخشی از خواسته‌های اساسی مردم در قیام‌ها و بیداری اسلامی به منظور دفاع از آرمان‌ها و تحقق حقوق مردم مظلوم فلسطین نهفته است. آن‌ها نمی‌توانند از آرمان‌های انقلابی‌شان چشم‌پوشی کنند یا در مقابل گروه‌ها و طرف‌هایی که حقوق حقه آنان را پایمال می‌کنند ساکت بنشینند و این از لحاظ اخلاقی و عملی بر فعالیت‌های فلسطین تأثیر خواهد گذاشت.

۳- چالش تبدیل اختلافات قومی و مذهبی به جنگ‌های داخلی

شرایط اجتماعی کشورهای منطقه خاورمیانه و شرق آسیا که بیداری اسلامی زمینه‌های تحول و تغییر در حکومت‌های دیکتاتوری وابسته به استکبار را فراهم نموده است؛ طوری است که نظام استکبار و در رأس آن‌ها، آمریکا و رژیم صهیونیستی کاملاً نگران و مضطرب شده‌اند چرا که راهبردهای آن‌ها در منطقه به چالش کشیده شده است و منافع بیرون از مرزهای آن‌ها دچار مشکل است. به همین منظور آمریکا و عوامل دست‌نشانده در داخل جوامع اسلامی برای توقف نهضت‌های درونی و یا جلوگیری از به ثمر نشستن آن‌ها، جریان‌سازی خواهند کرد. یکی از شرایط و فرصت‌های پیش روی آمریکا برای پیاده کردن اهداف و نیت خود، وجود اقوام مختلف و مذاهب گوناگون در درون کشورهای بیداری اسلامی است که به لحاظ اعتقادی و فکری و فرهنگی با هم اختلافاتی دارند که به نوعی این اختلافات طبیعی است. البته دامن زدن به آن‌ها از سوی عوامل داخلی می‌تواند برای دشمن بیرونی شرایطی را فراهم

سازد تا با تمسک به آن‌ها، این اختلافات را به درگیری و جنگ‌های داخلی در درون جریان اسلامی تبدیل نماید و با عمیق کردن اختلافات بین اسلام‌گرایان و سکولارهای غرب‌گرا و سایر نیروهای دیگر، یا بین مسلمانان و مسیحیان، جنگ خونین راه بیندازند تا از این طریق، زمینه انحراف و نابودی جریان‌ها و بیداری اسلامی فراهم شود. امروز امواج بیداری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت و گسترش در سراسر جهان است و فرصت بسیار تعیین کننده‌ای برای نجات کشورهای اسلامی پیش آمده تا با تمسک به آیین نجات‌بخش اسلام و وحدت و یکپارچگی اسلامی و اجتماعی، به نقشه‌ها و دسیسه‌های بازیگران عرصه جهانی برای همیشه خاتمه دهند. هم‌اکنون موج بیداری اسلامی باعث شکست سیاست‌ها و رویکردهای استعماری استکبار شده است و آن‌ها سعی دارند تا با این موج عظیم که سراسر منطقه و جهان اسلام را فراگرفته است از هر راهی با به کار بستن حربه‌ها و حيله‌های گوناگون مقابله کنند. در حقیقت بیداری اسلامی به مفهوم احیای اسلامی با شکست مکاتب مادی‌گرا و ارزش‌های مادی رایج، زمینه استقلال، آزادی، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی را زنده نموده است. با توجه به این موج عظیم که دشمنان مسلمانان از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی خود را در حال غرق شدن می‌بینند، در تلاش‌اند تا با افزایش فشارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بر آن‌ها و همچنین ایجاد شکاف عمیق میان اقوام و فرقه‌های مذهبی و تبدیل اختلافات به جنگ‌های خونین داخلی از بروز و ظهور حکومت‌های مردمی و اسلامی جلوگیری نمایند.

۴- چالش ایجاد انحراف در جریان بیداری اسلامی

آمریکا، اصلی‌ترین و محوری‌ترین بازیگر خارجی در صحنه تحولات کشورهای منطقه است و از عناصر نفوذی زیادی در داخل این کشورها برخوردار است. یک نمونه بارز آن ارتش و نظامیان مصر است که تربیت‌یافته مکتب آمریکایند. این ارتش با مدیریت آمریکا در کشاکش درگیری میان موافقان و مخالفان دولت قانونی، توانست او را از قدرت خلع نموده و با ابتکار عمل، قدرت سیاسی را در دست گیرد، اگر همین اتفاق هم نمی‌افتاد، مرسی به آرامی به عنصر آمریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل می‌شد به طوری که بیشتر مردم مصر تصمیم مرسی در قطع روابط با سوریه را هم‌نوایی با آمریکا دانستند.

علت سقوط زود هنگام دولت مرسی، اشتباهات محاسباتی او بود که در این مدت کوتاه

بروز و ظهور کرد و باعث شد به تعداد مخالفان او در داخل و خارج افزوده شود. از جمله این اشتباهات استمرار ارتباط با رژیم صهیونیستی و پشت کردن به کشورهای دوست مثل سوریه و همراهی با گروه افراطیون و سلفی‌ها بود. مراد از این اشاره مختصر به تحولات مصر آن است که در صورت غفلت از اصول و ارزش‌های بیداری اسلامی و عدم توجه به واقعیت‌های درون جامعه و شرایط بیرونی، بی‌تردید فرصت طلایی در اختیار کمین‌نشستگان و آسیب‌دیدگان ناشی از بیداری قرار خواهد داد تا آنان با استفاده از ابزارها و عناصر دست‌نشانده داخلی در به انحراف کشاندن انقلاب و بیداری، نقشه خود را به منصف ظهور برسانند. مسئله انحراف، همانند اختلاف، یک مسئله قابل توجهی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. همه این‌ها جزء تاکتیک‌های بازیگران خارجی در عرصه تحولات منطقه‌ای است که همه‌گونه شرایط و زمینه برای استفاده از آن‌ها برای دشمن فراهم می‌کند.

بنابراین، مسئله انحراف در حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی یکی از آفت‌های بزرگی است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مرتب نسبت به آن نگرانی خود را اعلام نموده است. از جمله دغدغه‌های اصلی ایشان در بیداری اسلامی، انحراف انقلاب‌ها از جهت اصلی خود، بیراهه رفتن آن‌ها و همچنین آینده و فرصتی که این انقلاب را برای مردم مسلمان ایجاد می‌کند، بوده است.

در نظر ایشان آسیب‌های این حرکت‌ها دو بخش دارد: آن‌هایی که در درون خود ما ریشه دارد و از ضعف‌های ما بر می‌خیزد و آن‌هایی که دشمن به طور مستقیم آن را برنامه‌ریزی می‌کند.

آنگاه در تبیین بخش دوم از آسیب با ذکر مصادیقی اشاره می‌کند:

«آسیب‌های دسته دوم را غالباً ملت‌های این منطقه در حوادث گوناگونی آزموده‌اند، نخستین آسیب، بروی کار آوردن عناصری است که خود را متعهد به آمریکا و غرب می‌دانند، غرب می‌کوشد پس از سقوط ناگزیر مهره‌های وابسته، اصل سیستم و اهرم‌های اصلی قدرت را حفظ کند و سر دیگری را بروی این بدن بگذارد و بدین وسیله سلطه خود را همچنان ادامه دهد. این به معنای هدر رفتن همه تلاش‌ها و مجاهدت‌ها است. در این مرحله اگر با مقاومت و هوشیاری مردم مواجه شوند می‌کوشند تا بدیل‌های انحرافی گوناگون در پیش پای نهضت و مردم بگذارند. این سناریو می‌تواند پیشنهاد مدل‌های حکومتی و قانون اساسی‌هایی باشد که کشورهای اسلامی را بار دیگر در دام وابستگی فرهنگی و سیاسی و

اقتصادی به غرب بیفکند و می‌تواند نفوذ میان انقلابیون و تقویت مالی و رسانه‌ای یک جریان نامطمئن و به حاشیه راندن جریان‌های اصیل در انقلاب باشد. این نیز به معنی بازگردان سلطه غرب و تثبیت مدل‌های نوسازی شده غربی و بیگانه از اصول انقلاب و در نهایت، تسلط آن‌ها بر اوضاع است.» (بیانات در اجلاس بین‌المللی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹)

نتیجه

حرکت‌ها و خیزش‌های اخیر در شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه که به «موج بیداری اسلامی» معروف شده است، امیدهای زیادی در کشورهای عربی - اسلامی و در بین مسلمانان برای ادامه زندگی عزتمندانه و آزادانه ایجاد کرده است تا در سایه این بیداری و هوشیاری اسلامی به خودباوری برسند و به دین، کرامت و استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود مباحثات کرده و در راستای ایفای نقش طبیعی و اسلامی خود به عنوان بهترین امت برای جهان اسلام تلاش کنند.

بازیافت هویت اسلامی و بازگشت به جامعه برخاسته از آیین و ارزش‌های الهی و اسلامی، احساس امید نسبت به آینده، دفع شر عوامل بیگانه و وابسته به نظام سلطه از جمله ثمره‌های بیداری اسلامی است که مردم مسلمان منطقه را در استمرار تداوم حرکت‌ها و جنبش‌ها همواره در صحنه بیداری سرحال و شاداب نگه خواهد داشت. درعین حال تجربه نشان داده است که بسیاری از شکست‌ها و ناکامی‌ها در حرکت‌های اجتماعی مسلمانان ناشی از غفلت آنان از آفت‌ها و چالش‌های پیش رو در عرصه داخلی و خارجی است که اغلب با برنامه‌ریزی حساب‌شده از سوی استکبار جهانی دنبال می‌شود.

در این مقاله تلاش شد تا با تکیه بر روش‌های منطقی و مستندات تاریخی، چهار چالش عمده به صورت اجمالی مورد بررسی قرار گیرد در عرصه داخلی: ۱- چالش فکری و فرهنگی پیش روی حرکت بیداری اسلامی ۲ - چالش اختلافات مذهبی، قومی و فرقه‌ای ۳- چالش فقدان وحدت فکری و گفتمان اسلامی ۴- چالش فقدان رهبری بیداری اسلامی - و چهار چالش اساسی در عرصه خارجی: ۱- رسوخ و نفوذ فرهنگ‌های غربی ۲- چالش مسئله فلسطین و مقاومت اسلامی ۳- چالش تبدیل اختلافات قومی و مذهبی به جنگ‌های داخلی و ۴- چالش‌های ایجاد انحراف در جریان بیداری اسلامی.

این چالش‌ها شرایط و زمینه را فراهم می‌کند تا جوامع اسلامی به ضرورت آگاهی از

ضعف‌های درونی و چالش‌های بیرونی پی برده و در مصون ماندن حرکت و جنبش بیداری اسلامی از انحراف و اشتباهات و اختلافات قومی و مذهبی گام‌های مؤثر و تأثیرگذاری در تثبیت نظام اسلامی و سلامت و صلابت حرکت‌های اسلامی بردارند.

نتیجه این است که وجود چالش‌های پیش روی بیداری اسلامی، جدی است و ایفای نقش متولیان این حرکت‌ها و نهضت‌ها و نخبگان انقلابی و اسلامی به همراه مردم مسلمان این مناطق در امر خنثی‌سازی توطئه‌ها و برطرف‌سازی ضعف‌ها و این چالش‌ها ضروری است. خلاصه کلام، تلاش برای بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم و کنار گذاشتن اختلافات ناشی از سلايق سیاسی و اقتصادی، قومی و مذهبی، فکری و فرهنگی و نیز متمرکز شدن در برطرف کردن مشکلات ناشی از تحولات اجتماعی مؤثر در عرصه‌های اقتصادی و معیشتی و غفلت نکردن از چالش‌های بیرونی و کید دشمنان و نظام سلطه بسیار مورد تأکید است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی جهان اسلام.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی).
۳. پایگاه تحلیلی و تبیینی برهان.
۴. خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲/۵/۴.
۵. خبرگزاری فارس.
۶. ساشا دنیا، عبدالعزیز، مبانی همزیستی اجتماعی در اسلام، ترجمه سید محمدرضا هاشمی، نشر ادیان، زمستان ۱۳۸۶.
۷. صحیفه امام، جلد ۸.
۸. کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ایرانشهر، تهران، چاپخانه دانشگاه، ۱۳۴۳.
۹. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، جلد دوم، تهران، سمت ۱۳۸۱.
۱۰. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۰، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، قم، دفتر نشر معارف.

